

سندی از قجلی سال ۱۲۸۷

هجری قمری

بقلم

دکتر محمد اسماعیل رضوانی

اصیل ترین اسناد تاریخ یادداشت
هائی است کسه نویسندگان
بماذوق منحصراً بمنظور حفظ
خاطره واقعه و حادته تحریر
کرده اند و بصورت يك ناظر
بيطرف و بی غرض بخاطر دل و
بدون چشم داشت به پاداش و
بدون هیچگونه توقعی از خود
باقی گذاشته اند. از اینگونه
یادداشت ها در میان خاندانهای
اصیل و قدیمی در گوشه و کنار
ایران فراوان است و هر چند گاه
يك بار صفحات مجلات تاریخی
و ادبی با چاپ اینگونه برگها
زیب و زیور پیدا میکند و بر کسی
بر صفحات تاریخ ایران اضافه
میشود. اگر در صد پیدا کردن
اینگونه یادداشت ها بر آئیم

جستجوی مابعدرنخواهد رفت و این اوراق گرانها که اکنون در گوشه و کنار ایران پراکنده است بمرورجع خواهد شد و دامنه مطالعه و تحقیق را وسیع تر خواهد ساخت و حقایق آشکارتر و روشن تر خواهد شد بشرط آنکه پیدا کننده از نیرنگ روز کار غافل نماند و بلافاصله بچاپ آنها در یکی از مجلات مبادرت ورزد. نگارنده که از این نکته غافل نیست و همواره در جستجو است، در تعطیل تابستان که بقصد زیارت پدر و مادر به شهرستان بیرجند رفت ضمن جستجو در اوراق کهنه یکی از دوستان قدیمی بیادداشت های مربوط به قحطی سال ۱۲۸۷ هجری قمری برخورد و چون عقیده دارد که اینگونه اسناد باید بدون فوت وقت چاپ شود سلسله مقالات خود را در موضوع سیری در نخستین جراید ایران در این شماره رها کرد و این یادداشت ها را بخوانند گان مجله کران وزن بررسی های تاریخی تقدیم داشت.

باری، قحطی و خشکسالی و کران شدن ارزاق و درمانده شدن مردم و مرگ از گرسنگی بلائی بود که بموازات و با و طاعون و نوبه و آبله و ملخ هر چند سال یکبار کریمان مردم ایران را در گذشته می گرفت و کشتاری جانگزاودردناک می کرد، داستان قحطی ها و مرگ های از گرسنگی که احتکار غله داران از خدا بیخبر آن را تشدید میکرد داستان جانگهای است که کراراً در تاریخ ایران رخ داده و شایسته است که موضوع کتابی جداگانه قرار گیرد تا هم گوشه ای از تاریخ ایران روشن شود و هم نسل حاضر قدر این روزگار را که غرق در رفاه و آسودگی است بداند.

در میان قحطی هائی که کراراً در دوره قاجاریه رخ داده^۱ مشهورتر و مهمتر از همه شاید قحطی سال ۱۲۸۷ باشد. در کتب تاریخ دوره قاجاریه در ذیل سالهای قحطی همه جا بطور سربسته اشاره به این بلا شده است اما نه

۱- تاکنون دو مقاله در این زمینه بقلم سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی در مجله ماهانه نیما بچاپ رسیده است یکی بنام قحطی سال ۱۲۷۳ قمری در شماره ۶ سال ۱۷ و دیگری بنام کرانی سال ۱۳۱۶ قمری در شماره ۲ همان سال.

بصورتی که مایه وقوع بطور آشکار جلوه کند و پژوهنده را بحقیقت امر واقف سازد زیرا هدف نویسندگان بیان قحطی نبوده بلکه خواسته اند چند خروار غله ای را که دولت در دسترس مردم گذاشته است ذکر نمایند. از جمله در حقایق الاخبار ناصری ذیل وقایع سال ۱۲۷۷ چنین نوشته شده است :

« از سوانح این سال اینکه چون در سال قبل بسبب عدم نزول باران حاصل زراعات شتوی اطراف دارالخلافه تهران در نهایت قلت بود لهذا کمی آذوقه سبب زیادتی عسرت و ضیق معیشت متوطنین دارالخلافه آمد. قضائی هایل و بلائی نازل حادث شد از موقوف خلافت حکم محکم شرف صدور یافت که سی چهل هزار خروار غله از غلات دیوان ولایات بدارالخلافه حمل شود ولی چنان اتفاق افتاد که در این زمستان بخلاف سابق برف و باران در نهایت کثرت، سرما و بوران در غایت شدت، از اواسط شهر رجب تا اواخر رمضان جمیع طرق و معابر مسدود و ذهاب و ایاب قوافل موقوف گردید. غلاء غله و غلو غلاء دارالخلافه را بلیه و آفت، عموم ما کولات عالی و مرتبه عالی یافت. اشخاصی که غله را در انبار داشتند به انباشتن انبار از درهم و دینار پرداخته طریق خصب و رخص مسدود و باب بی انصافی و بی مروتی گشودند ...»

شکفت اینکه در همین سال ناصرالدین شاه مردم قحطی زده ایران را رها کرد و بقصد زیارت عتبات عالیات عازم عراق گردید.^۱ ابتدای این سفر روز بیستم شهر جمادی الثانی سال ۱۲۷۷ بود و شاه در طریق بازگشت وقتی به قم رسید دستور داده از غله دیوان تدارک نان کرده تا پنجاه روز هزار نفر فقرا را اطعام کنند.^۲ باری قصدا منحصر آ مقدمه ای است بر یادداشت هائی که بدست آمده است نه بیان داستان.

محرر این یادداشت ها روشن نیست کیست ولی علی الظاهر بازرگانی

۲- منتخب التوازیخ مظفری ص ۳۷۱ تا ص ۳۷۰ - مآثر الانالا ص ۱۳۴

منتظم ناصری ج ۳ ص ۳۱۵

۳- ص ۳۷۰ منتخب التوازیخ مظفری

بوده است بنام حاجی عباسعلی خراشادی که کوره سوادى که يك بازرگان دهاتی آن روزگار برای ثبت و ضبط حساب و کتاب تجارتي خود می بایست داشته باشد دارا بوده است. این یادداشت ها فقط اوضاع قاینات را نشان میدهد و قاینات منطقه ای است در جنوب خراسان که اکنون شهرستان بیرجند نام دارد و بنابراین مربوط بیک گوشه از ایران و نشان دهنده اوضاع منطقه محدودی است از شرق مملکت .

امید آفکه در گوشه و کنار ایران نظیر این یادداشت، راجع به این حادثه و یا حوادث دیگر یافت شود و بزیر طبع در آید .

« واضح بوده باشد که در سنه ۱۲۸۷ باران در کل ایران و ترکستان و خراسان نشد تا چهار یوم تا بنوروز و بعد دو باران پی در پی شد بده روز و دیگر باران در کل بلاد نشد و کم بکم نرخ ترقی کرد تا نوروز جدید که در همه بلاد یکسان شد ، در ولایت خراسان چنان ترقی شد که در ولایت تربت گوشت میته را خوردند مانند سگ و در مهال تربت جوانی را کشتند و گوشت آنرا خوردند و راهها سد شد که کسی از خوف جوع عبور نمی کرد و در راه شهر قاین دو نفر راجهت دومن^۴ آرد کشتند و در بلاد بیرجند هر روز تا پنج نفر از کرسنگی میمردند و نرخ نهارجان^۵ از این قرار بود تا ده پانزده یوم بعد از نوروز گندم اگر پیدا می شد وزن قاین یکمن یک قران و نیم ، جو یک من یک ریال^۶ ، ارزن یک ریال ، پختوک^۷ یک من اگر پیدا میشد یک قران خشتیک^۸ یکمن یک قران ، آرد قوت یکمن یک قران ، روغن یکمن پنج قران ، برنج یکمن دو ریال ، خرما یکمن دو ریال ، نقل و نبات و قند و شکر یکمن پنج قران ، گوشت یکمن یک قران ، گاه صد من دوازده و نیم قران

۴- تمام اوزان در این نوشته بوزن قاین است هر یک من قاین چهل سیر و هرسیری ۹ مثقال است هر سه من قاین مساوی است با پنج کیلوگرم

۵- نام دهستانی است از شهرستان بیرجند

۶- یکریال مساوی است با یک قران و بیست و پنج دینار

۷- شلم نامی پرند و پخته آنرا خشک میکنند و به آن پختوک یا پختیک گویند

۸- شلم را پخته خشک میکنند و به آن خشتیک گویند

پنبه تخم بریان یکمن يك قران ، چغندر پخته سه من يك قران ، کماه تر ۱ یکمن سه پناباد ۱۰ بعد که ارزان شد خشکه یکمن نیم قران ، نخود و عدس ماش و موشنگ و شلمیده ۱۱ یکمن یکریال ، جوز هزاری پنج قران ، عناب و سنجد يك من یکریال و باوجودی که خراشاد ۱۲ از سایر بلاد معمورتر بود گرگی رادر ملک آباد ۱۳ گرفته و آوردند و گوشت آنرا بر سر قرا قسمت کردند و پول در میان مردم تو مان خراسانی ۱۴ ماهی نیم قران میدادند منفعت. و نبود در کل بلاد . و جوزقه سه من يك قران ، مس مرغوب بکندم یکمن سه من و مس دیگ و کماجدان یکمن سه من جو بود و طالب نداشت . نمک یکمن يك شاهي و نیم، تخم شلجم در نهار جان یکمن پنج قران و در نیشابور یکمن یکتومان تریاق در یکماه قبل از نوروز ریگی در بیابان و کوهسار پیدا شد و رنگ روز تغییر کرد و آنرا می آوردند و بردست آس آرد می کردند و با آرد جو و گندم ممزوج می کردند؟! و آنرا گندم (?) نام نهادند و پوست خسته (هسته) شفتالو را در آرد می کردند و می خوردند . در باب حیوانات کوسفندی رأس يك قران میدادند و کسی طالب نبود و گاورا از فروه ندکی و بی آذوقگی دادند و گاوها را خوردند و چنان کار بر مردم تنگ شد از شدت دزد که هر کسی در خانه خود خواب نداشت و چنان حاکم باتسلط بود که در عدالت انوشروان عادل بود و اگر ولایت سیستان در دست حاکم قاین نمی بود یکجا مردم از گرسنگی هلاک می شدند ۱۵ و راهها از (?) ۱۶ سد شد و آهن یکمن چهارده شاهي بود و ملک در سال قبل یکمن بدرافشان ۱۷ چهار تومان

- ۹- کما، گیاهی است که از آن کندل می گیرند و زمانی که اذمین میروید سبزی تازه آن را می پزند و می خوردند
- ۱۰- هر پناباد مسوی بادشاهی است
- ۱۱- شلمیده همان شنبلیله است
- ۱۲ و ۱۳- نام دوده از دهات شهرستان بیرجند است
- ۱۴- هر تومان خراسانی مساوی است با ۲۵ ریال
- ۱۵- فرمانروای سیستان و قاینات در این روز گاد مرحوم امیر علم خان حشمت الملک پدر بزرگ بزرگوار جناب آقای امیر اسداله علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی بوده است
- ۱۶- جاها ای که نقطه چین شده یا علامت سؤال گذاشته شده است جای کلمه ای است که خوانده نشده است
- ۱۷- يك من بدرافشان مساوی است با ۱۲۰ متر مربع

خراسانی خرید و فروش می شد و بعد این سال دیگر یکمن چهل قران میدادند ابریشم یکمن چهل و سه قران رزن قاین داد و ستد می شد و بعد در وقت (۹) يك من هفت قران نمیدادند . سوز صحرا ، هیمه ، الاغی پنج شاهی پیدا نبود و فقرا یکجا مردند و هر کسی باقی ماند رنگ صورت نداشت تنها کو یکمن دو ریال، کشک یکمن يك ریال ، زردک پانزده من يك قران بود. در پخت و هر یوند، فنود^{۱۸} شیره^{۱۹} یکمن نیم قران و کشمش پیدا نبود اگر پیدا میشد یکمن دو ریال و طلبات مردم يك جا سوز کرد و کار برتجار بند و بست شد و وانفسا وانفسا بود پدر بی پسر و مادر بی دختر و در چند جا مذکور شد که اطفال کوچک را طعام نمیدادند که زودتر فوت کنند و چنان مردم بکار خود گرفتار بودند که در بیرجند مردم فوت میکردند و کسی ایشان (را) جمع نمیکرد تا سه یوم چهار یوم و یکسال از این قرار بود تا بیست یوم بعد از نوروز بعد تا چون شود. روغن چراغ یکمن سه قران و نیم اجناسی که از پیشم و مو بود هیچ طالب نداشت .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۸- ریخت ، هر یوند و فنود نام سه ده ازدهات بیرجند است

۱۹- منظور شیرة انکود است